

Enough

آن دسته از ساختارهای زبان مبداء که معادلی دقیق و آسان یاب در زبان مقصد داشته باشند معمولاً مشکلی در انتقال معنا پیش نمی آورند و برعکس، ساختاری که معادل مستقیم و سرراستی در زبان مقصد نداشته باشد بیشترین مشکلات را در امر زبان آموزی و به تبع آن در ترجمه پیش می آورد و "اگر لفظ به لفظ ترجمه شود بافت آن از نظر دستور زبان فارسی غلط خواهد بود (ابوالحسن نجفی). ذیل مدخل به اندازه کافی). گاهی مترجم ساختار اول را به مورد دوم نیز سرایت می دهد و در نتیجه، موجب انتقال غلط معنی، ابهام، و احتمالاً استفاده از ساختار نادرست می شود. واژه enough مورد بارزی است از این تعمیم غلط و کاربرد ساختار نحوی "ناسازگار" با زبان فارسی. یکی از معانی پر استعمال enough کافی، به اندازه کافی، به قدر کافی، به اندازه کفایت، به قدر کفایت، و به حد کفایت است. مترجمی که به زیر

و به زبان مادری خود آشنا نیست و یا به زبان انگلیسی تسلط ندارد از این معنا و ساختار در دیگر موارد کاربرد این واژه استفاده می کند. نتیجه این می شود که گاهی با جمله های عجیبی مانند مثال زیر مواجه می شویم: به اندازه کافی برای رانندگی (رانندگی) جوان نیستند. در اینجا ابتدا کاربردها و معانی enough را تفکیک می کنیم و سپس مثال هایی برای هر یک از آنها می آوریم.

۱- enough به صورت مخصّص (determiner) پیش از اسم.

ساده ترین کاربرد این واژه به صورت مخصّص پیش از اسم است که بر وجود کسی یا چیزی به اندازه کافی یا به قدر کفایت دلالت دارد. ترجمه این ساختار آسان است و مترجم به راحتی آن را درک می کند و به فارسی انتقال می دهد.

There are enough chairs.

صندلی به قدر کفایت داریم.

There was enough room to park a car.

جای کافی برای پارک کردن اتومبیل وجود داشت.

معادل‌های این ساختار، همان‌گونه که اشاره رفت، عبارت‌اند از: کافی (به صورتِ صفت)، به اندازه کافی، به قدرِ کافی، به اندازه کفایت، به حدِّ کفایت، به قدرِ کفایت. ابوالحسن نجفی معتقد است گرچه جمله "غذا به اندازه کافی برای همه هست" غلط نیست، برای بیان این معنی در فارسی به‌طور طبیعی می‌گویند: "غذا آن قدر هست که به همه برسد".

۲- enough بعد از صفت یا قید

مشکلِ ترجمه enough هنگامی پیش می‌آید که بعد از صفت یا قید به کار می‌رود و در این جا است که مترجم تازه کار به اشتباه به معانی اولِ آن پناه می‌برد. مفهوم این کاربرد این است که شخصی یا چیزی آن قدر از ویژگیِ موردِ اشاره در صفت برخوردار است [یا نیست] که می‌تواند کاری را انجام دهد [یا قادر به انجام آن نیست]. به عبارتِ دیگر، این شخص یا چیز با داشتن [یا نداشتن] مقدارِ نامعینی از صفتی که enough بعد از آن قرار می‌گیرد توانایی انجام کاری را دارد یا نه.

معادل‌هایی که در فارسی برای این ساختار به کار می‌روند بر دو نوع‌اند: الف) معادلِ واژگانی و ب) معادلِ نحوی.

الف: معادل‌های واژگانی

We had a long enough list.

فهرستِ بلند بالایی داشتیم.

I was not a good enough rider. / سوارکاری‌ام تعریفی نداشت.

سوارکارِ تعریفی هم نبودم.

That's good enough for me.

برایم بدک نیست.

It is a common enough dilemma.

بحران نسبتاً عامی است.

ب: معادل‌های نحوی

The children are old enough to travel to school on their own.

بچه‌ها آن قدر بزرگ هستند که خود به تنهایی به مدرسه بروند.

The bullets passed close enough for us to hear their whine.

گلوله‌ها آن قدر از نزدیک گویش ما رد شدند که توانستیم صفیرشان را بشنویم که صفیرشان را شنیدیم.

There was room enough to park a car.

آن قدر جا بود که بتوان اتومبیل را پارک کرد.

We are all nearly young enough to be mistaken for students.

ستمان کم و بیش آن قدر پایین است که ما را با دانشجویها اشتباه بگیرند.

قرار گرفتنِ enough قبل و بعد از اسم موجب تغییر معنایی می‌شود. به عبارتِ دیگر، با توجه به مثال‌های زیر وقتی تمام عناصر دو جمله یکی است اما در یکی enough قبل از اسم و در دیگری بعد از اسم قرار گرفته است معنای آن دو متفاوت می‌شود.

I haven't got big enough nails to mend the cupboard.

میخ‌های به آن بزرگی ندارم که کمد را تعمیر کنم.

I haven't got enough big nails to mend the cupboard.

آن قدر میخ بزرگ ندارم که کمد را تعمیر کنم. / به اندازه کافی میخ بزرگ ندارم...

امکان دارد بعد از enough گروه حروف اضافه‌ای که با for شروع می‌شود قرار گیرد تا شخص یا چیزی را نشان دهد که از عمل فعل بهره‌ور می‌شود یا پذیرای آن است. همچنین ممکن است بعد از این واژه بند مصدر با to بیاید تا بر عمل مرتبگی دلالت کند.

The children are old enough to travel to school on their own.

بچه‌ها آن قدر بزرگ هستند که خود به تنهایی به مدرسه بروند.

این کاربرد ارتباط نزدیکی با ساختارِ too به اضافه صفت یا قید دارد. این دو گرچه از نظر معنایی یکسان‌اند، ساختار دستوری متفاوتی دارند. به دیگر سخن ساختار مثبت یکی از آنها برابر با ساختار منفی دیگری است.

He is not too poor to buy a car.

آن قدر بی پول نیست که نتواند اتومبیلی بخرد.

He is rich enough to buy a car.

آن قدر پول دارد که بتواند اتومبیلی بخرد.

۳- enough بعد از قیدهای خاص

قیدهای معدودی مانند *curiously* و *strangely, oddly, interestingly, funnily* enough به کار می‌روند و احساس گوینده یا نویسنده را در مورد آنچه که بیان می‌شود نشان می‌دهند. این قیدها که در واقع کل جمله را توصیف می‌کنند توجه خواننده یا شنونده را به ویژگی جالب یا غیرمنتظره و نامترقبه بودن عمل جلب می‌کنند. به مثالهای زیر توجه کنید:

Interestingly enough, this proportion has not increased.

طرفه این که این نسبت افزایش نیافته است.

Funnily enough, old people seem to love bingo.

عجیب تر این که / عجیب این است که افراد پیر ظاهراً بازی بینگو را دوست دارند.

She finds herself strangely enough in agreement with John for a change.

شگفت این که در مورد ضرورت تغییر با جان هم عقیده است.

Exercises:

1. He is likeable enough, but very ordinary.
2. He sings well enough, but
3. It seemed that Henry had not been careful enough.
4. Some of these creatures are just large enough to see with the naked eye.
5. Oddly enough, he came on time.
6. We met by chance in Egypt and a year later oddly enough, in New York.